



۲۰۲۲/۱۰/۳۰

احسان لمر، بخش رجال سیاسی و آبدات تاریخی

تاریخچه «توپ چاشت» و «تپه توپ» گذرگاه کابل در قاموس کبیر افغانستان

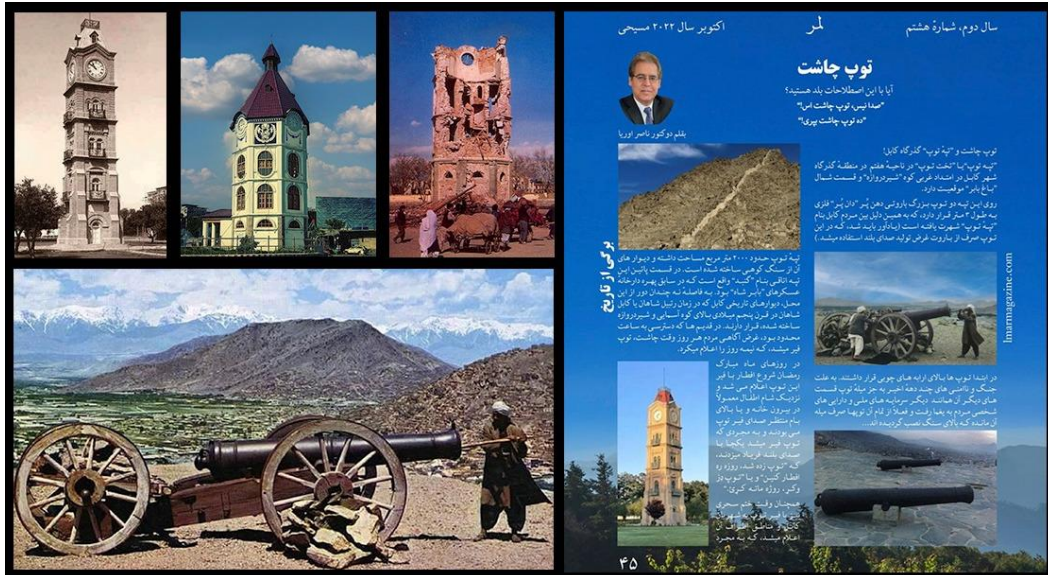
مطلب دلچسپ ذیل از جناب دکتور صاحب ناصر اوریا در صفحه فیسبوک مورخ 2022/10/11 و همچنان در مجله "لمر" سال دوم شماره هشتم نشر شده است و من که توپ چاشت و افطار و سحری رمضان و عیدین کابل را بیاد دارم خواستم این خاطره نهایت زیبا را با شما هم شریک سازم.

صدا نیست، توپ چاشت است!

"ده توپ چاشت پیری"

آیا منشأ این اصطلاحات معمول کابل را میدانید؟

مطلب ذیل در شماره ۸ مجله لمر (اکتوبر ۲۰۲۲) به نشر رسید. «دکتور اوریا»



"تپه توپ" یا "تخت توپ" در منطقه گذرگاه در ناحیه هفتم شهر کابل در امتداد غربی کوه "شیردروازه" در قسمت شمال "باغ بابر" موقعیت دارد.

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

روی این تپه دو توپ بزرگ باروتی دهن پُر "دان پُر" فلزی به طول ۳ متر قرار دارد که به همین دلیل بین مردم کابل بنام "تپه توپ" شهرت یافته است (یادآور باید شد که در این توپ صرف از باروت غرض تولید صدای بلند استفاده میشود).

در ابتدا توپ ها بالای ارابه های چوبی قرار داشتند ولی فعلاً بالای سنگ نصب گردیده اند. به علت جنگ و ناامنی های چند دهه اخیر به جز میله توپ قسمت های دیگر آن همانند سرمایه های ملی و دارایی های شخصی مردم به یغما رفته است.

تپه توپ حدود ۲۰۰۰ متر مربع مساحت داشته و دیوار های آن از سنگ کوهی ساخته شده است. در قسمت پائین این تپه اتاقی بنام "گنبد" واقع است که در سابق پهره دارخانه عسکرهای "بابر شاه" بود.

به فاصله نه چندان دور از این محل، دیوارهای تاریخی کابل که در زمان رتبیل شاهان یا کابل شاهان در قرن پنجم میلادی بالای کوه آسمایی و شیردروازه ساخته شده، قرار دارند.

در قدیم ها که دسترسی به ساعت محدود بود، غرض آگاهی مردم هر روز وقت چاشت، توپ فیر میشد که نیمه روز را اعلام میکرد.

در روزهای ماه مبارک رمضان شروع افطار با فیر این توپ اعلام می شد و نزدیک شام اطفال معمولاً در بیرون خانه و یا بالای بام منتظر صدای فیر توپ می بودند و به مجردی که توپ فیر می شد یکجا با صدای بلند فریاد می زدند که "توپ زده شد روزه افطار کنین" و یا "توپ دز وکر، روزه ماته کری."

همچنان وقت ختم سحری نیز با فیر توپ به شهریان کابل و مناطق اطراف آن اعلام می شد که به مجرد شنیدن صدا، خوردن و نوشیدن قطع میگردد.

اعلام رسمی ایام خاص مثل عید، جشن و روزهای ملی دیگر نیز با فیر توپ به اطلاع مردم رسانیده میشد.

بعضی اوقات توپ های شادبانه نیز از همین محل فیر میگردد..

در گذشته های دور بعضی مجرمین محکوم به مرگ را هم به توپ بسته و اعدام می کردند که اصطلاح "ده توپ چاشت ببری" هم از همیجا منشأ گرفته است.

بعضاً قیود شبگردی نیز با فیر این توپ ساعت یازده شب اعلام می گردید.

در بعضی شهرهای ولایات دیگر مثل هرات، غزنی و جلال آباد نیز ساعت دوازده ظهر توپ چاشت فیر می شد.

در آنزمان بین مردم صدای توپ چاشت معادل ۱۲ بجه روز بود. به همین دلیل حتی امروز هم زمانی که از بعضی کابلی ها مخصوصاً کابلی های قدیم وقت روز پرسیده شود که چند بجه است، اگر ساعت ۱۲ بجه روز باشد میگویند "توپ است" یا "ده دقیقه به توپ مانده" یا "نیم ساعت از توپ تیر است."

در آن زمان برای مردم کابل دو "منار ساعت" ساخته شده بود، یکی نزدیک پل محمودخان و دیگری در ارگ که از فواصل دوردست شهر منارهای ساعت دیده نمی شد.

مردم کابل معمولاً با شنیدن صدای توپ نان چاشت را صرف میکردند و آمادگی برای نماز پیشین می گرفتند. اطفال هم منتظر صدای فیر توپ می بودند چون مادران برای شان میگفتند که "هر وقت توپ چاشت زده شد، به آنها نان میدهند."

این رسم و عنعنۀ فیر توپ چاشت تا اواسط دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی به همین منوال دوام داشت.

دو توپ چاشت که فعلاً هم در تپه توپ گذرگاه قرار دارند اصلاً در زمان پادشاهی امیر شیرعلی خان (۱۸۲۵ - ۱۸۷۹م) در فابریکه اسلحه سازی کابل که بنام ماشین خانه یا فابریکه حربی نیز یاد می شد، ساخته شده بود. این ماشین خانه یا

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزی بنی پزوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

فابریکه، در باغ علم گنج که بین پل هارتل و زیارت شاه دوشمشیریه موقعیت داشت ساخته شده بود که متاسفانه اکنون غیر فعال است .

آبدۀ تاریخی "تپۀ توپ" از سنگ های کوهی به شکل حلقوی اعمار گردیده است .

گفته میشود که محلی که توپ چاشت از فراز آن فیر می شد، ابتدا در تپه بی بی مهر و بود و روایت است این توپ در زمان امیر محمد افضل خان، پدر امیر عبدالرحمن خان، به تپۀ بالا حصار انتقال داده شد .

در زمان امیر حبیب الله خان این توپ به واسطه فیل بزرگی بنام "فیل فتح بهادر" به گردنۀ کوه شیر دروازه واقع گذرگاه انتقال داده شد که تا الحال هم در همانجا قرار دارند.

گوش مردم کابل و نواحی اطراف آن با این صدای آشنا و خبردهنده چنان عادت کرده بود که ناخودآگاه هر روزه منتظر آن بودند و با شنیدن آن نه تنها وقت نان چاشت و نماز پیشین را بلکه اندازه پیشرفت کارهای روزمرۀ خود را نیز سنجش میکردند.

شخص مسئول توپ چاشت که به نام توپچی یاد میشود، بالای آن ایستاده و خریطۀ باروت را در میله میگذاشت و با سیخ فلزی آتش را داخل این توپ قرار داده که از اثر انفجار آن صدای بسیار بلند تولید میشود که تمام اهالی شهر و اطراف کابل با شنیدن آن صدا از موضوع باخبر میشدند.

پیرمرد توپچی هر روز ساعت یازده و نیم روز با یک پشتاره باروت بالای تپه بالا شده و بعد از فیر توپ دوباره از تپه پائین می آمد .

یکی از این توپچی ها پیرمردی بنام صابر خان بود. وی که به بابۀ صابر توپچی مشهور بود، هر روز توپ را برای فیر آماده می ساخت و همکار دیگرش ماما رؤف نام داشت که از قریۀ جنگلک چهاردهی بود. ماما رؤف توپ را باروت پر می کرد و بابۀ صابر که ساعت به دست داشت و به دقت به آن میدید و به وقت معین باروت را آتش میزد "گلریزی ره مینداخت" و صدای توپ بلند میشد. صدای توپ خانه های نزدیک را می لراند و صدای بلندش تا مناطق دوردست کابل به گوش مردم میرسید و همه را باخبر میکرد.

به قول مردم چهاردهی (قریه های گذرگاه، جنگلک و واصل آباد) بابۀ صابر پدر هنرمند مشهور وحید صابری بود.

در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی راپورتر مجله ژوندون در شماره سوم سال ۱۳۵۲ آن مجله با شخصی بنام محمد امان، یکی از توپچی های توپ چاشت، مصاحبۀ جالبی انجام داده بود.

راپورتر از محمد امان که حدود ۷۵ سال عمر داشت و مدت ۲۲ سال می شد که به حیث توپچی توپ چاشت وظیفه اجرا می کرد، راپور جالبی از خاطرات تلخ و شیرین وی در این وظیفه تهیه نموده بود .

محمد امان که گوش هایش به سختی می شنید و داغ های سوختگی چهره اش حاکی از دشواری های این کار بود، در جوانی هنگام دورۀ عسکری به این کار مؤظف شده بود که بعد از عسکری هم آن وظیفه را رها نکرد و به کارش تا پیری ادامه داد. خانۀ وی که در قلعه غیبی (عقب چهلستون) بود، در جواب سوالی که :

هر روز این فاصله را طی می کنی مانده نمیشوی؟

گفته بود:

"مهم نیست که لاغر و ضعیف هستم. من به این کار عادت کرده ام. شب های رمضان و روز های زمستان و تابستان من به اینجا می آیم و اینجا تقریباً خانۀ من شده است."

راپورتر از وی می پرسد که:

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

حالا در اینجا دو توپ است، پس این یکی را چه وقت آورده اند؟

محمد امان میگوید:

در زمان اعلیحضرت شهید (محمد نادر خان) این توپ را بالای تپه آوردیم. در آن وقت در نزدیک پل محمود خان فیل خانه ای بود که در آن فیل ها را نگهداری میکردند. فیل را آوردند و توپ را به دنبال فیل بستیم و بعد از سه ساعت تلاش آن را به اینجا نقل دادیم.

میپرسم: چند معاش داری؟

"در اوائل دوصد و پنجاه افغانی معاش داشتم. بعدها پنجصد افغانی شد و حالی بعد از مرگ مامور ما، معاش او را هم به من میدهند، یک هزار و سه صد و پنجاه افغانی."

قرار آخرین راپورها برای حفاظت این آبد ۲۵ نفر محافظ گماشته شده است .

باید تذکر داد که با تأثر و تأسف در جریان جنگ های تنظیمی که به تحریک دشمنان کشور مخصوصاً همسایه ها به راه انداخته شده بود، آثار و ابدات تاریخی و افتخارات ملی افغانستان بدست این ایادی اجانب که نه بویی از فرهنگ برده بودند و نه عزت نفسی داشتند، خسارات و صدمات زیادی را متقبل شد که آبد "کوه توپ" نیز از این تخریبات مصئون نماید. خوشبختانه این محل بالاخره تحت نظر ریاست ابدات تاریخی تا اندازه ای دوباره مرمت و بازسازی گردید.

در قدیم ها نزدیک تپه توپ هیچ خانه مسکونی وجود نداشت ولی فعلاً اطراف آن خانه های زیادی ساخته حتی بعضی متصل به آن اند. باشندگان اصلی ناحیه هفتم میگویند که با تأسف که این مکان تاریخی نیز مثل بقیه اماکن دولتی از غصب مصئون نمانده است.

اگر توپ ها از نزدیک مشاهده شوند علاوه بر نشانه های اصابت مرمی عاملین جنگ های تنظیمی، یادگارهایی از طرف اشخاص و افراد نیز نوشته شده که امید مسئولین امور مخصوصاً شاروالی کابل به این امر و مهمتر از آن، اعاده ساحة مربوط "تپه توپ" توجه نموده و اقدامات لازم را اتخاذ نمایند.

ناصر اوریا - تکراس

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ